

مختصر تاریخچه موسیقی غرب

از آغاز کریستین

ترجمه جناب محمد قدیر خان ترمه کی
از مجله اولکو

حولاتیکه در بیست قرن قبل در حیات و اخلاق و روحیات ملل مغربی واقع شد البته در زمره لوازم دیگر موسیقی جدیدی هم لازم بود که روح تواضع را با ماؤیده های راسخه اخلاقی که منشأ رحم و عطف است بر ملل مسیحی بدمد. صفت بارزه که این موسیقی داشت این بود که موسیقی را کاملاً از قیومیت شعر خارج کرده میخواست همان چیزهایی را که انسان ها ذریعه شعر افاده کرده نمی توانند ذریعه موسیقی بقلب و دماغ انسانیت تلقین کند این است که داهیان بزرگ موسیقی با آثار نفیسه خودها مولود همین فلسفه میباشد.

بعد از آنکه دین عیسوی در مغرب شیوع کرده و در موسیقی هم تصرفی نمود موسیقی هشت صد سال کامل شکل «*گوشفونی*» خود را که از بدایت ناپیس اخذ کرده بود عوض نمود و آهنگ موسیقی که در شعائر دینی آن وقت نواخته میشد بسیار شبیه بود به رسومات و آئین دینی یونانیهای قدیم و ملت یهود.

اصلاحاتیکه برای اولین بار در موسیقی بعمل آمد در شهر میلان از طرف پاپ بزرگ Sent Ambrasis معمول و بعد از آن گره گوار کبیر در آن اصلاحات دیگری هم نمود باین صورت که رسوماتی را که از طرف اهالی در کلیسا ذریعه موسیقی جریان داشت و عبارت از آثار باقیه ادوار بت پرستی بوده توهین ظاهری بدین بود ازین برداشت و چنان طرحی ریخت که بوسیله آن رسوماتیکه در کلیسا

انجام داده میشد از دایره دین خارج نبود .
توجهاتی که مطابق فوق از طرف رجال بزرگ در امور موسیقی بعمل میآمد
باعث تزیید علاقه اهالی به موسیقی شد .

موسیقی که در کلیساها نواخته میشد مانند موسیقی هائیکه اکنون نواخته
می شود همانا دارای متود های مستند به اصول « اورگ Org » است که
بروایتی ۱۵۴ سال قبل از ولادت حضرت مسیح ع از طرف شخصی موسوم به
Stesibius و بروایت دیگر این اصول موسیقی هم مانند سایر شئونات مدنی محصول
مدنیت یونان میباشد .

درین موسیقی بسیار سعی میکردند که تا درجه ممکنه آواز را در قید خطوط
در آرند (یعنی در ترتیب نوتها های موسیقی به معنی درجه مصروفیت بکار برده
میشد) در همین اوقات بود که موسیقی در روم با نظر رغبت دیده شده مساعی قابل
قدری را در ترقی آن بکار میبردند .

در سنه ۷۸۴ شاپور پنجم پادشاه ساسانی (با صلاح ما خواننده
« مترجم ») را بروما فرستاده و در آنجا کتکول (فرانسه فعلی) مخصوصاً شهرهای
(Metz) و (Suason) دو مدرسه بزرگ موسیقی را باز کرد .

علی الرغم تمام این احوال معینا در قرن ۹ تجربه در اطراف اصول آرمونی
(اصولی بود که در موسیقی عکس العمل اصول فوق دانسته میشد) به عمل آمد
و این اصول که از طرف یکی از منتسبین مهم کلیسا موسوم به « سنت آمان » وضع
شده بود چون يك اصول فوق العاده ابتدائی و بی اهمیتی بود مولد نتایج بدی در
موسیقی شده ترقی موسیقی را پنج صد سال عقب انداخت و تا اواخر قرن ۱۳ چون

موسیقی کاملاً به ملودی اتکا داشت لهذا علم موسیقی هم نتوانست در میدان ترقی قدمی فراتر بگذارد.

بهر حال لازم است موزیسین های را که درین وقت (یعنی قرن ۱۳) زندگی داشتند بشناسیم زیرا این ها ولو اینکه موسیقی چندان محرز ترقی نشد از خدمت به ترقی و پیش رفت آن مضایقه ننموده تا حدی که اقتدار ایشان اجازه میداد خدمت کرده اند این رجال عبارت اند از: « Gwido darezo » و « Adam do la hel » این دو شخص خدمات قابل تقدیری به علم موسیقی نمودند چه « آدم دو لاهل » در تاریخ ۱۲۷۸ با اصول های جدیدی نوشته هائی ترتیب و یک کمیدی دارای موسیقی (کمیدی که رول های آن با آواز توأم بازی کرده می شود) تحت عنوان بازبهای ماریون و روبن ترتیب و در سرای پادشاه ناپولی نمایش داد که این برده بذاته اولین برده (کومیک اوپرا) است بزرگترین مشغله های موزیسین ها درین تاریخ عبارت از تجاری بود که میخواستند در یک یک مرتبه صدای دوباسه ملودی را استماع کنند (در حالیکه در یک آن بسط نمی توان شعور را بدو چیز مشغول کرد اگر موسیقی دان های قرن ۱۳ باین عمل دست زدند نباید ایشان را علامت کرد زیرا در آن وقت علم النفس وجود نداشت که بایشان میگفت چند دقیقه مصروف مطالعه فعالیت های شعور گردیده موضوع شعور و تحت الشعور را از نظر بگذرانند « مترجم » و علاوه ازین مهمترین حوادثیکه در قرن مذکور درین زمینه روداد ایجاد و اصلاح بعضی آله های موسیقی بود که بعدها باعث پیش رفت موسیقی شد. این حرکات و اصلاحاتیکه در قرن ۱۳ در موسیقی معمول گردید تماماً مبشر احضار دوره معروف (سن فونیک) شده هنوز فکر (اورکسترسیون Orkestrasiyon) بدماغ ها خطور نمی کرد.

در قرن ۱۴ در ممالک باژیک و اسپانیا موسیقی دان های جدیدی پیدا و آثار جدید و تازه مینوشتند چه : ژان دوموری (۱۲۷۰ - ۱۳۲۰) که یکی از موسیقی دان های معروف آن دوره بود در راه ترقی موسیقی خدمات مهمی انجام داد و ذرات دیگری از قبیل :

گیوم دورفی و ارکهم در اثر دریافت اصول جدیدی که (فوک) نامیده میشد اساس علم موسیقی جدید را ریختند و نیز در همین تاریخ بوده که در مملکت آلمان همان اجل نامی زیر دستی که باعث ظهور دوره (رنه فور ما یدون) شده بود یعنی " مارتین لوتر " میزیست. لوتر طوریکه معروف است در سنه ۱۴۸۴ در ولایت ساکس متزلد و در سنه ۱۵۴۶ مرده است و در انقلاب مذهبی که این شخص روی کار آورده بسبب تاسیس عالم پروتستان گردید موسیقی هم رول های عمده را به عهده داشت چه این شخص موسیقی را به منزله یک سیستم فلسفه میدانست که همیشه ذوق انسان ها را تحت تاثیر خود در آورده در راه اصلاح اخلاق انسانیت (از راه انکساری که موسیقی در انسان تولید میکند) تاثیر عمیقی دارد از همین جهت بود که خودش شخصاً چند بن نوته را که به شش انگشت درونی ابروستان ها موافقت داشت تحت عنوان (ائین یست بورک) مرتب نموده در راه اصلاح اخلاق انسانیت (کونسوانس) و موسوم به Meyerber در اوپرای Le Hugno نوتنه های مذکور را عنیاً استعمال نمود .

* در اواخر قرون وسطی موسیقی که در لیسه ها (مدارس متوسط) درس داده میشد میرفت تا شکل جدیدی اختیار کند و این شکل جدیدی که موسیقی لیسه ها میخواست آن را اختیار کنند دو اصولی بود که بنام (کونسوانس) و (دی سوانس) یاد میشد چه این اصولات سعی میکرد تا اگر ممکن شود موسیقی را طوری وضع کنند که مستقیماً ذکا را متاثر نماید .

ترتیب کنندگان نوت‌ها در بن‌عصر زیست می‌کردند چون از ترتیب نوت‌های قدیم اطلاع داشته به موسیقی جدید مهارتی نداشتند لهذا کلیسای نوت‌های اشعار غیر مؤثری را ترتیب داده مینواختند تا اینکه مجلس روحانی معروف و بزرگیکه بنام کونسل دو تورانت یاد میشد مجبور گردید تا این سنخ موسیقی را بکلی از کلیسای خود بزداید.

بعد از این انقلاب بزرگی در موسیقی روداد که آن را «انقلاب پالستینا» می‌گویند باین صورت که شخصی موسوم به «پیر لوتیکی» در سنه ۱۵۲۴ در شهر پالستینا که یکی از شهرهای جوار روما است بدنیای آمد در سنین عمر این شخص در موسیقی بجدی کسب موفقیت نمود که بزرگترین استاد عصر خود بشمار رفته موجود موسیقی جدید کلیسا نامیده شد؛ استاد مذکور در طول عمر خود اصولهای جالب دقی در موسیقی جدید کلیسا وضع و برای استادها تهیه کرد که بعد از آمدن سر مشق‌های بی نظیری باقی ماند و بالاخره میتوان گفت که این شخص اولین استادی است که دریافت که موسیقی همیشه تابع ملودی (صوت شیرین و جذاب) بوده خوبی و خرابی ملودی در زیبایی و عدم زیبایی آن از انسان فوق العاده مؤثر است.

در قرن ۱۴ در شهر نورنبرگ که یکی از شهرهای آلمان است جمعیتی بنام «مترشاتور» تشکیل شده اعضای این جمعیت شهرها و دهات را گردش کرده اشعاری میسرودند تا اینکه ناریک ترین زوایای مملکت از حظی که انسان از موسیقی میبرد دارد مطلع شوند و یا بعبارة دیگر حسن بدیع ایشان به هیجان بیاید همین بود که این جمعیت مراسم خود را عملی کرده در قبال آن خدمات زیادی به موسیقی در آلمان نمودند.

نوت‌های موسیقی در اوایل قرن ۱۶ بعد از طی مراحل متعدد و مختلفی شکل آخرین خود را کسب کرد و در اواسط همین قرن حادثه مهم دیگری در موسیقی روداد که آن حادثه

عبارت از دریافت اصول دیگری بود که بنام (مادریگال : Madrigal) تعبیر میشد این اصول در ذات خود جوهر تمام نوتته های عصر مذکور بوده نوتته بود که برای سه نوع آواز و باز یاده از آن مرتب شده بود و رو بهم رفته این نوع موسیقی در قرن ۱۶ بهترین موسیقی عصر پنداشته میشد زیرا مادریگال اولین سنگی بود که در تهاداب او پراگذاشته شد و این اصول موسیقی ناظهور استاد معروفی (مونتره ورد) شکل خود را محافظه نموده بود این استاد در سنه ۱۵۶۸ در شهر کره مون متولد و در سنه ۱۶۴۳ مرده است ؛ خدمتی که این استاد در موسیقی نمود وضع کردن قاعده مهمی علم موسیقی است که در موسیقی اروپا بنام (دی سونانس Dissonans) شهرت دارد و معلوم است که بعد از وضع این قاعده علم موسیقی قدم زرگی بسوی تکامل گذاشت و سزا است اگر گفته شود که عالم موسیقی در موسیقی در اماتیک مرهون این عالم است .

بعد ازین شخص پدر کالیله معروف موسوم به ونسان کالیله در اثر ترتیب نوتته های متعدد ^{موسیقی را از آنک} ^{دیگر} به پیش راند و این موسیقی شناس که در نواختن اورگک بد طولانی داشت چندین نفر شاگرد خود را به رتبه استادی رساند چنانچه مردی است که آکالیله معروف پسر این استاد اولین دورین خود را برزه های اورگکی که در یک گوشه خانه پدرش افتاده بود ساخت .

موسیقی در قرن ۱۷ :
گرچه در قرن ۱۷ اساتذده متعددی در علم موسیقی ظهور کردند ولی ما بعلت معدودیت آنها

بذکر اسمای چند نفر مذکور قناعت میکنیم :

از استادان موسیقی قرن ۱۷ در ایتالیا (کاریسمی) و در فرانسه (کامبر) دارای شهرت زیادی میباشد زیرا کسیکه در فرانسه او را را ایجاد کرد

کامبر است کامبر در سنه ۱۶۶۹ مدیریت اکادمی موسیقی را که برای اولین بار در فرانسه تاسیس شده بود به عهده گرفته تاچندی به خدمت مذکور مصروفیت داشت و سپس موقعیت خود را به Luliyه (لولیه) نامی که یکی از سرامدان موسیقی آن عصر بود سپرد .

لولیه يك موسیقی شناس فوق العاده ماهری بوده در سنه ۱۶۳۵ در شهر فلورانس ایتالیه بدنیا آمده است و سبب ورود این شخص در فرانسه این است که یکی از صدر اعظم های قرن ۱۷ فرانسه مسیو مازارین خواست اصول موسیقی را که در ایتالیه رواج داشت به فرانسه هم مروج نماید لهذا این شخص را از ایتالیه به فرانسه خواست تا این مأمور را در بعه مذکور بر آورد . لولیه قبل از آنکه صدر اعظم مذکور او را به فرانسه به طلبد یعنی در اوائل جوانی هم در پاریس زندگی داشته در سن ۱۳ سالگی که در آن وقت رژیم ارسطو کراسی در فرانسه شدت داشت بخانه ماد موازل (دو مون بن سیه) بزیر دست آتش بزکار میگرد و در بین پیشه دوامی ننمودم از آنجا خارج و در مسلك موسیقی دانی داخل شده بعد از مدتی در زمره موسیقی دانان لوئی ۱۴ شاه فرانسه داخل شده چون يك شخص ذکی و انزبکه باز بود بزودی جلب دقت لوئی ۱۴ را نمود ؛ سپس خود را استاد ترتیب نوتة موسیقی شهرت داد و بمدت قلبی اور کسترای حضور شاه بدو تفویض شد ؛ این شخص چون از ذکاوت و استعداد طبیعی حظ وافری داشت بعد از يك تاریخ بسیار جزئی یکی از استادان بزرك نوتة بحساب رفته چندین دسته نوتة های مهم مهمی تنظیم و به تعداد ۲۰ او بر او نوشته در سنه ۱۶۸۷ از دنیا در گذشت .

غیر از رجال فوق بدون شبهه یکی از شخصیت های بزرك دیگری که در قرن

۱۷ در علم موسیقی خدمت های زیادی نموده (رومو: Romo) است رومو در سنه ۱۶۸۳ در شهر دیژون فرانسه متولد و از ابتدای طفولیت ذوق زیادی به موسیقی داشته در سلك موسیقی دانان همیشه منسلک بود تا اینکه سنین عمرش بالغ به ۳۵ شده آغاز به نحر بر بعضی آثاری در موسیقی نمود و در شهر لیل فرانسه معلم اصول اورگ شد و بعد از چندی بخدمت کلیسای بزرگ آنجا برگزیده گردید.

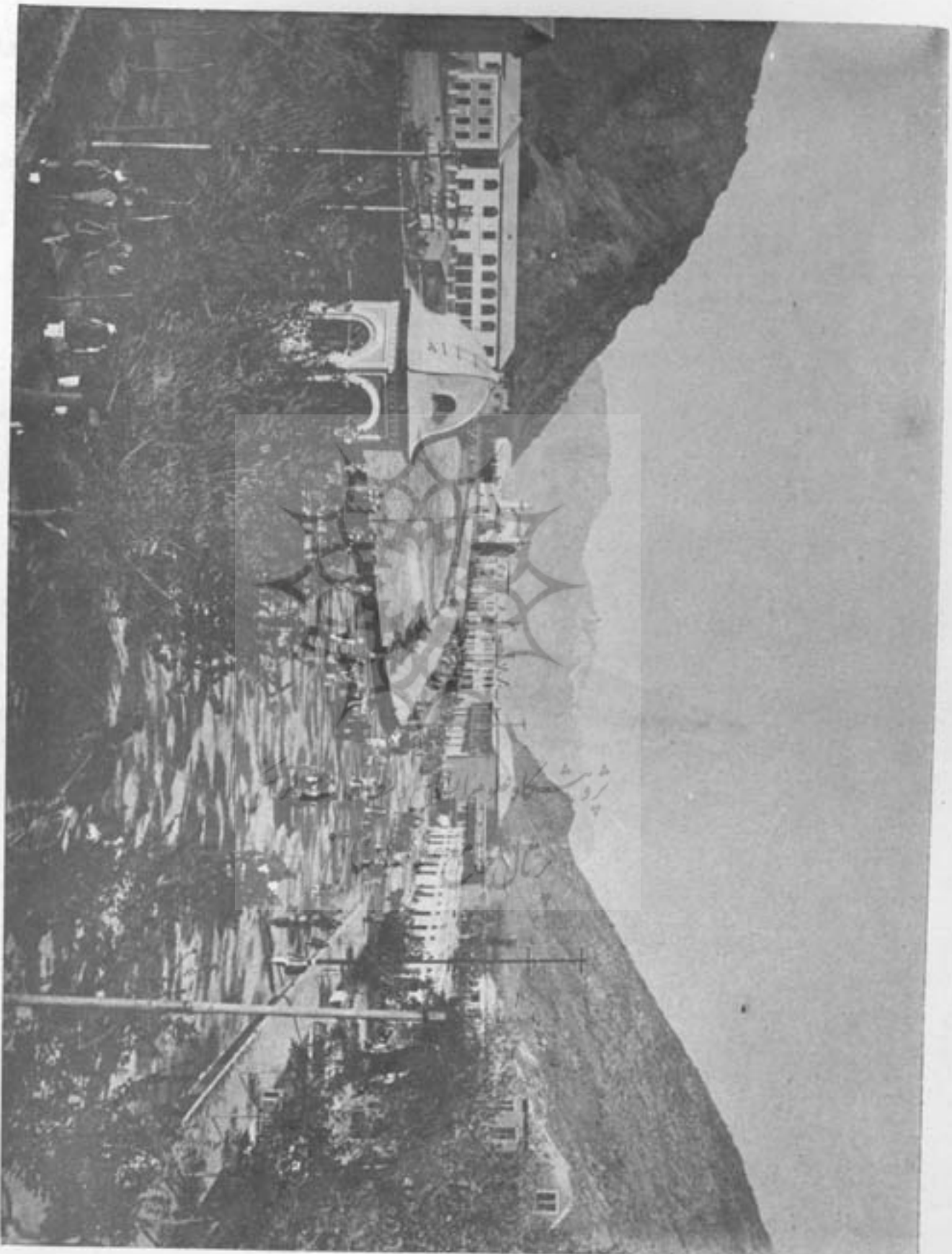
رومو آثار چندی در موسیقی نوشته و بر نظریات آن مبلغی افزود و میتوان گفت که دوا برای او موسوم به (کاستور) و (پولوکس) از او پراهای بسیار قیمتداری میباشد بالاخره این استاد در سنه ۱۷۶۴ مرد.

همچنان در بین رجالیکه باید درین زمره از آنها نام برده شود (کوپرن) فرانسوی و (نارتینی) ابطالوی است چه این دو نفر هم از حیث نواختن عملی موسیقی و هم از جنبه نحر بر آثار درین زمینه مصدر خدمات قابل اعتنائی شدند. درین اوقات از یکطرف استادان ماهر در موسیقی ظهور میکرد و از طرف دیگر نواقصی که احیاناً در آلات موسیقی وجود میداشت رفع میشد چه (کمان) که در اورستریا رول بسیار عظیمی را به عهده دارد درین عصر آخرین شکل خود را اخذ کرد که دیگر تغییری در آن وارد نگردید.

منشاء کمان و اکثری از لوازم موسیقی هندوستان است چه کمان و لوازم مذکور را قبل از ولادت عیسی در سیلان شخصی موسوم به (راواناسترون) اختراع کرد و اکنون این آله در نزد هندی ها اهمیت ندارد زیرا در مجالس عمده آترانمی نوازند و تنها اشخاص عادی که دسترس به آلات دیگری ندارند



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



از مناظر کابل ، يك قسمت از جاده اندرانی و جاده شاهي

از آن استفاده میکنند؛ اما این کمان در اروپا طوریکه در بالا گفته شد بوسیله رجال زبده که درین زمینه بد طولائی داشتند به ترقی زیادی و اصل شد چه اکنون کمانیکه در موسیقی های اروپا مروج است دارای ۴ سیم بوده اورکسترای کاملی را تشکیل میدهد و کنون هیچ آله نمی تواند با کمان رقابت کند زیرا کمان عادتاً بیت میخواند، خنده میکند، میگریزد یا صدا میکند.

موسیقی که درین عصر ترقی شایانی نموده بوسیله همین گونه آلانی است که پشت سر هم دیگر اختراع و طرف استفاده قرار داده شده است.

درین اواخر که موسیقی عادتاً بدوره رشد و نموی خود واصل شد طوریکه در تمام شئون اجتماعی مشهود است شعب موسیقی هر کدام به مملکتی اختصاص یافت باین صورت که: موسیقی در آلمان بواسطه اساتذده زبردستی که اخیراً در آنجا ظهور کرده بود شکل فیلسوفیک (فیلسوفانه) و در امانتیک را اخذ و در ایتالیا به ملودی و اشعار وجد آور اهمیت داده میشد و مملکت فرانسه میخواست موسیقی را زواج دهد که مانند ادبیات فرانسه مستقیماً بقلب خطاب کند اینک باینصورت موسیقی در ادوار رشد و نموی خود بسه نوع مختلف و زرکی تقسیم گردید.

ادبیات موسیقی به دو دوره تقسیم میشود کلاسیک، رومانیک. که درین دو اصل در مقاله آتی به بحث خواهیم کرد.

